

## ارزیابی پیامدهای مقررات‌گذاری در کشورهای در حال توسعه\*

نویسنده: دیوید پارکر و کالین کرکپاتریک

مترجم: مسعود فریادی\*\*

### مقدمه

تا دهه ۱۹۸۰ میلادی، نهادهای بین‌المللی اعطای وام گرایش به تأیید نقش مثبت دولت در توسعه اقتصادی داشتند. با این حال، از این دهه به بعد، این گرایش‌ها با ورود فرایند موسوم به «اجماع واشینگتنی» تغییر پیدا کرد. این اجماع بر برنامه‌های خصوصی‌سازی و آزادسازی بازار و عوامل شکست توسعه دولت‌محور تأکید داشت.<sup>۱</sup> کاهش و یا حتی به گفته برخی، حذف دولت تبدیل به یک باور عمومی شده بود. درک این فشار سیاسی حداقل با توجه به اینکه مداخله اقتصادی دولت سرمایه‌گذاری بخش خصوصی را تضعیف و به رشد اقتصادی صدمه زده بود، دشوار می‌نمود. چنین انگاشته می‌شد که صرف هزینه توسط دولت تشکیل سرمایه در بخش خصوصی را تضعیف می‌کرد و به فساد و رانت‌خواری می‌انجامید، درحالی‌که شماری از شرکت‌های دولتی کاملاً نیز ناکارآمد گشته بودند. قوانین دولتی فعالیت بخش خصوصی را به دلیل اعمال موانع متعدد در زمینه تأسیس شرکت‌های جدید و رشد شرکت‌های موجود محدود می‌کردند. با این حال تا آخر دهه ۱۹۹۰، پرسش‌های متعددی در خصوص قابلیت آزادسازی بازار در جهت ایجاد بهبود مداوم در توسعه اقتصادی مطرح می‌شد. این امر منجر به تغییری اساسی در راهبرد توسعه شد بدین ترتیب که دولت باید نقشی اساسی در تقویت چهارچوب قانونگذاری برای بهبود فعالیت بازارهایی که به صورت ناقص

\* Parker, David; Kirkpatrick, Colin; "Regulatory Impact Assessment in Developing Countries", in Regulatory Impact Assessment: Towards Better Regulation?, Edited by Colin Kirkpatrick and David Parker, Edward Elgar Publishing Limited, UK, 2007.

\*\* دانشجوی دکتری حقوق عمومی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

1. World Bank, 1995 .

<http://www.lri.ir>

شکل گرفته و یا اصلاً تشکیل نیافته، ایفا کند. در حال حاضر در نظام‌های اقتصادی در حال توسعه تأکید بیشتر بر روی تغییر از «دولت حداقلی» به «دولت بهتر» صورت می‌گیرد. برای یافتن دولت بهتر، اصلاح بنیادین در نظام قانونگذاری حیاتی است.<sup>۱</sup>

کیفیت بالای نظام اداری، لازمه اصلی گذار از یک نظام اقتصادی دولتی به نظام اقتصادی مبتنی بر تخصیص منابع از طریق بازارها است و در این زمینه ادبیات نظری و تجربی رو به رشدی وجود دارد که سطح رشد اقتصادی را با کیفیت نظام اداری کشور مرتبط می‌داند.<sup>۲</sup> برای مقابله با ناکارایی‌های بازار در نظام‌های اقتصادی در حال گذار مانند هزینه‌های خارجی گسترده در معاملات بازار، سوءاستفاده از انحصار، بازارهای توسعه‌نیافته یا شکل‌نگرفته و عدم شفافیت اطلاعاتی، ساختارهای مقررات‌گذاری متناسب در حکومت لازم است.<sup>۳</sup> همچنین برای تضمین مشارکت توسعه مبتنی بر بازار در تحقق اهداف توسعه اجتماعی و حفاظت از محیط زیست، نیاز به مقررات‌گذاری وجود دارد. هرچند که ساختارهای سازمانی مقررات‌گذاری به عنوان لازمه حمایت از رشد نظام اقتصادی بازار، در کشورها و دوره‌های زمانی مختلف متغیر هستند، با این حال می‌توان شماری از اصول عمومی را برای مقررات‌گذاری "خوب" برشمرد. ژاکوبز (۲۰۰۳) این پنج ویژگی مشترک نظام‌های مقررات‌گذاری مدرن را که صرفاً با ایجاد قابلیت مقررات‌گذاری خوب در بدنه حکومت تحقق می‌یابند برمی‌شمارد:

- ۱- امنیت: امنیت حقوقی، رعایت پیوسته اقتضائات بازار، ضمانت اجرایی قابل پیش‌بینی؛
- ۲- شفافیت: قواعد روشن و ساده، علنی بودن فرایندهای تصمیم‌گیری، فساد کمتر؛
- ۳- مشروعیت: قانونگذاری باید از ایمنی، سلامتی، محیط زیست، مصرف‌کنندگان، منافع عمومی حمایت کند؛
- ۴- کارایی: قواعد کم هزینه، تصمیم‌های منظم و زمانمند، اقدام سریع در برآورده کردن نیازهای بازار؛
- ۵- کارشناسی: مهارت مقررات‌گذاری خوب و درک بازارها و فن‌آوری‌های پیچیده.

1. Kirkpatrick, 2006.  
2. North, 1990; Jalilian, Kirkpatrick and Parker, 2006.  
3. Parker, 2002.

در کشورهای در حال توسعه، کیفیت زیرساخت سیاسی و حقوقی عنصر کلیدی چهارچوب مقررات گذاری است. ملاک ارتباط سازنده میان حکومت، حکومت قانون و پویایی اقتصادی به این معنا است که هر جا که نظام‌های سیاسی و حقوقی نامطلوب باشند، فرایند توسعه شدیداً دچار وقفه می‌شود. بنابر گزارش بانک جهانی (۲۰۰۲) سرمایه‌گذاران در انتخاب مقصد سرمایه‌های خود وسواس بیشتری به خرج می‌دهند. در نتیجه سرمایه‌ها به کشورهایی با فضاهاى سرمایه‌گذاری بهتر یعنی مبتنی بر به‌زامداری، سازمان‌های کارآمد و حامی نظام حقوق مالکیت سرازیر می‌شوند.

نیاز به ساختارهای قانونگذار موثر برای تداوم فرایند توسعه اقتصادی هم اکنون به خوبی شناخته شده است. بنا بر گزارش اداره توسعه بین‌المللی انگلستان (۲۰۰۲) برای تأسیس چهارچوب‌های حقوقی، نهادی و تقنینی حکومت‌های کارآمد لازم است که بدون آنها اصلاحات بازار نادرست و به‌ویژه برای اقشار آسیب‌پذیر پرهزینه خواهد بود. در جاییکه موانع قانونی مفرط یا بطنی انگیزه‌ها را سست و سرمایه‌گذاری را تضعیف می‌کند، مقررات گذاری خوب یک امر مهم و اساسی است.<sup>۱</sup>

با آنکه تعریف عام‌الشمولی در مورد مقررات گذاری وجود ندارد، ولی می‌توان بطور کلی آن را به عنوان اقدام حکومت در جهت تأثیر بر رفتار افراد یا گروه‌ها تعبیر کرد. سازمان همکاری اقتصادی و توسعه، مقررات گذاری را در عباراتی کلی این چنین تعریف می‌کند: «مجموعه مختلفی از مصوباتی که توسط آن حکومت‌ها الزاماتی را بر اشخاص حقوقی و شهروندان اعمال می‌کنند».<sup>۲</sup> از این رو مقررات گذاری فراتر از مقررات ناظر بر یک بخش خاص (مانند خدمات مالی، فن‌آوری‌های ارتباطی، انرژی، ترابری و آب و فاضلاب) و شامل همه انواع قوانین و مقررات، دستورالعمل‌ها و دیگر احکام حکومت است که بر رفتار افراد یا گروه‌ها تأثیر می‌گذارد.

مقررات دولتی ممکن است "خوب" یا "بد" باشند. قانونگذاری می‌تواند هم رفاه اقتصادی و اجتماعی را ارتقا دهد و هم هزینه‌های سنگین اقتصادی و اجتماعی را در پی داشته باشد. به این دلیل، اگر قرار است که رفاه اقتصادی از طریق مقررات گذاری به

1. DFID, 2000, pp. 24-5.

2. OECD, 1997.

جای کاهش ارتقا یابد، آنگاه مقررات گذاری باید هم موثر و هم کارآمد باشد: موثر به معنای دستیابی به اهداف برنامه ریزی شده در مقررات و کارآمد به معنای دستیابی به این اهداف با کمترین هزینه یعنی هزینه های ناشی از مدیریت کشور و هزینه هایی که بر عموم جامعه به دلیل تبعیت از مقررات تحمیل می شود.

در این بخش، قابلیت ارزیابی پیامدهای مقررات گذاری برای بهبود اداره امور عمومی از طریق مقررات گذاری در سطوح ملی، منطقه ای و محلی در نظام های اقتصادی در حال توسعه و در نهادهای مقررات گذاری مانند قانونگذاران در زمینه منافع عمومی مورد بررسی قرار می گیرد. در این بخش به ویژه به بررسی این مسأله پرداخته می شود که چگونه بهتر می توان ارزیابی پیامدهای مقررات گذاری را در مورد کشورهای در حال توسعه به کار بست؟ سپس برای اطلاع از تجربیات بیشتر در این زمینه، به وسیله یک پرسشنامه مطالعاتی جدید یافته های یک پژوهش موردی در خصوص اقدامات صورت گرفته در مورد ارزیابی پیامدهای مقررات گذاری در آن دسته از کشورهای در حال توسعه که شکلی از این ارزیابی بکار گرفته اند را مورد بررسی قرار می دهد.

#### **مبحث نخست: اعمال ارزیابی پیامدهای مقررات گذاری در کشورهای در حال توسعه**

ارزیابی پیامدهای مقررات گذاری راهکاری برای بهبود کیفیت قانونگذاری در هر کشوری خواه توسعه یافته یا نیافته است. بنابراین این نوع ارزیابی در هر دو دسته کشورها قابل اعمال است و قابلیت بهبود اداره امور از طریق مقررات گذاری را دارد. نهادهای بین المللی در پیشبرد برنامه های اصلاح نظام قانونگذاری به منظور بهبود فضای فعالیت برای سرمایه گذاری خصوصی و بطور کلی ارتقای کیفیت فرایندهای مدیریت عمومی فعال هستند. <sup>۱</sup> در این فضا است که تمایل به اعمال ارزیابی پیامدهای مقررات گذاری در سطح جهان افزایش می یابد. ارزیابی پیامدهای مقررات گذاری چنین تشریح شده است:

1. European Commission, 2005; World Bank, 2005.

<http://www.lri.ir>

«رویکرد تحلیلی مبتنی بر اطلاعات در ارزیابی هزینه‌ها، پیامدها و آثار جانبی اسناد مصوب حقوقی (قوانین، مقررات و غیره). این رویکرد را می‌توان برای ارزیابی هزینه‌های واقعی و پیامدهای این اسناد بعد از اجرایی شدن آنها نیز اعمال کرد. در هر صورت ارزیابی قبل و بعد از اجرا، نتایج برای بهبود کیفیت تصمیم‌ها و مصوبات مانند قوانین، مقررات، برنامه‌های سرمایه‌گذاری و سرمایه‌گذاری‌های عمومی به کار می‌رود. اساساً این ارزیابی وسیله‌ای برای اعلام گزینه‌های حکومت است: گزینه‌هایی در مورد اسناد حقوقی، در مورد تدوین یک سند خاص، یا در مورد نیاز به تغییر یا توقف یک مصوبه موجود»<sup>۱</sup>.

ارزیابی پیامدهای مقررات‌گذاری در فرایند گسترده‌تر به‌زامداری نیز با اعمال رویه‌های بیشتر مشورتی و پاسخگو سهم عمده‌ای دارد. مشورت با مصرف‌کنندگان، اصناف و جامعه مدنی که جزئی از کارکرد ارزیابی پیامدهای مقررات‌گذاری است، به مشروعیت بخشی در قانونگذاری و ارتقای برابری و انصاف کمک می‌کند. روش‌های گوناگونی که به طریق آن ارزیابی پیامدهای مقررات‌گذاری می‌تواند قانونگذاری و سیاست‌گذاری بهتر را پشتیبانی کرده و فرایند اداره امور عمومی از طریق مقررات‌گذاری را تقویت کند در جدول ۱-۹ عنوان شده است.

با این حال، بیشتر کشورهای در حال توسعه در فرایندهای مقررات‌گذاری خود ضعف‌هایی داشته‌اند که به نبود پاسخگویی، شفافیت و ثبات در سیاست‌گذاری و اجرا انجامیده است که نتیجه آن عدم موفقیت اداره امور عمومی از طریق مقررات‌گذاری در برآورده کردن "اهداف مطلوب به‌زامداری" مندرج در جدول ۱-۹ خواهد بود. سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی به دلیل شفاف نبودن و بی‌ثباتی فرایند اداره امور عمومی از طریق مقررات‌گذاری در یک کشور و مداخله‌جویانه بودن آن از انجام سرمایه‌گذاری دلسرد می‌شوند و این مشکلات، موانعی هستند که در بسیاری از مناطق کم‌درآمد جهان وجود دارند. در این خصوص، ارزیابی پیامدهای مقررات‌گذاری این قابلیت را دارد که اداره امور عمومی از طریق مقررات‌گذاری را هم از لحاظ برآیندهای مقررات‌گذاری (با تضمین اینکه مقررات‌گذاری منافع خالصی برای رفاه اقتصادی و

1. SIGMA, 2001, p. 10.

اجتماعی دارد) و هم فرایندهای مقررات‌گذاری در بدنه حکومت (شامل مشورت و ارزیابی مناسب پیش از تصویب یک مقررہ جدید و ارزیابی مجدد دوره‌ای مقررات موجود برای اطمینان از مناسب بودن آنها) بهبود می‌بخشد.

جدول ۱-۹: اهداف حکمرانی خوب در تحلیل پیامدهای مقررات‌گذاری<sup>۱</sup>

اهداف	نتایج
تحلیل: محاسبه منافع و هزینه‌های عمل حکومت	یادگیری سریع‌تر، افزایش منافع عمل حکومت، یافتن روش‌هایی برای کم کردن هزینه‌ها و کاهش کاستی‌های مقررات
مشورت و مسئولیت‌پذیری در برابر حوزه گسترده‌تری از منافع عمومی	شفافیت، اعتمادسازی، کاهش ریسک مقررات برای بخش خصوصی، کاهش انحصار اطلاعاتی
یکپارچه‌سازی اهداف متعدد خط‌مشی‌ها (اقتصادی و اجتماعی)	انسجام خط‌مشی در جهان پیچیده، حذف رویکردهای انحصاری و تکسویه و ارتقای رویکردهای تکثرگرا
پاسخگویی برای اعمال و نتایج (در میان وزرا نسبت به مردم)	حکومت مردم‌مدار، قابل اعتماد و مسئولیت‌پذیر

همچنین ارزیابی پیامدهای مقررات‌گذاری می‌تواند چهارچوب انسجام‌بخشی در داخل حکومت برای پیشبرد تدوین مقررات و اجرای آنها ایجاد کند. با پیشرفت در روند ارزیابی و نظارت از اداره‌ای به اداره دیگر و از حکومت مرکزی به حکومت محلی و نهادهای حکومتی، انتظار می‌رود سطح مدیریت ارتقاء یابد. با اتخاذ رویکردهای استاندارد در ارزیابی و نظارت بر امور اداری در ادارات، می‌توان شاهد

1. Jacobs, 2003.

<http://www.lri.ir>



کاهش ناهماهنگی در حکومت بود. در این صورت، ارزیابی پیامدهای مقررات‌گذاری همکاری تکثرگرا را در سطح مدیریت مرکزی کشور تقویت می‌کند. افزون بر این، ارزیابی پیامدهای مقررات‌گذاری با ارتقای روابط میان نهادهای دولتی در جریان اجرای مطالعات ارزیابی این پیامدها باعث انسجام بیشتر در سیاست‌گذاری و حکومت سازمان‌مند می‌شود. بکارگیری راهبردهای ثابت ارزیابی پیامدهای مقررات‌گذاری در سطوح مختلف حکومت، میزان بی‌ثباتی‌های مخرب در خط‌مشی مقررات‌گذاری را کاهش خواهد داد.

با این حال، ارزیابی پیامدهای مقررات‌گذاری، نمی‌تواند به تنهایی راه‌حلی برای ناکارایی حکومت در کشورهای در حال توسعه باشد. روش اعمال فرایند و نتایج ارزیابی پیامدهای مقررات‌گذاری با توجه به اولویت‌ها و اهداف مختلف در فرایند اصلاح مقررات و نیز توانمندی‌های سازمانی در مدیریت عمومی شامل قابلیت و قانونمندی سازمانی موجود، در میان کشورها بطور قابل ملاحظه‌ای فرق می‌کند. کشورهای دارای پیشینه "به‌زامداری" بیشتر در صدد بکارگیری از روش‌های موثر ارزیابی پیامدهای مقررات‌گذاری هستند. بدین معنی که ارزیابی پیامدهای مقررات‌گذاری جایگزینی برای به‌زامداری نیست بلکه یک ابراز مکمل آن است. بنابراین بکارگیری ارزیابی پیامدهای مقررات‌گذاری اغلب به ناچار با اصلاحات اساسی و عمیق‌تر در مدیریت همراه خواهد بود.

هدف اصلی سیاست توسعه کاهش تهیدستی است و هدف خط‌مشی مقررات‌گذاری در کشورهای در حال توسعه نیز باید تغییر رفتار بخش خصوصی در جهت برنامه افزایش درآمد تهیدستان باشد. با اینکه پیامد رشد اقتصادی بر کاهش فقر تمرکز بر پیگیری عملی مداوم است، عموماً نظر بر این است که منافع رشد ضرورتاً بر سطح درآمد تهیدستان تأثیر قابل چشمگیری نخواهد گذاشت. بنابراین مقررات‌گذاری در تضمین اینکه منافع فرایندهای کارآمدتر بازار بر طبق ترجیحات اجتماعی کشور توزیع شوند نقش بالقوه مهمی دارد. این امر متضمن اهداف گسترده‌ای برای خط‌مشی مقررات‌گذاری است که هسته اصلی راهبردهای کشورهای عضو سازمان همکاری

اقتصادی و توسعه<sup>۱</sup> در زمینه ارزیابی پیامدهای مقررات گذاری یعنی بهبود کارایی بازار را تشکیل می دهد.<sup>۲</sup> اگر قرار است که پیامدهای مثبت و منفی مقررات گذاری از لحاظ عواملی مانند قیمت ها، فرصت های شغلی و دسترسی به تسهیلات به نحو مناسبی شناخته شوند، در ارزیابی پیامدهای مقررات گذاری مشخصاً باید تأثیرات اجتماعی اصلاح مقررات نیز مورد توجه واقع شود. بنابراین مناسب است که ارزیابی پیامدهای مقررات گذاری در کشورهای در حال توسعه با تأکید ویژه بر ارزیابی اصلاح مقررات بر کاهش فقر به سود اقشار تهیدست جامعه تدوین و اعمال شوند.

همچنین استفاده از ارزیابی پیامدهای مقررات گذاری در کشورهای در حال توسعه چیزی فراتر از پذیرش صرف راهبردهای بین المللی در این زمینه مانند راهبردهای مصوب کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه است. نقش "توانمندی سازمانی" یا نظام های تقنینی، اجرایی و قضایی استقرار یافته یک کشور در تدوین سازوکارهای مقررات گذاری در حال حاضر به خوبی درک شده است.<sup>۳</sup> توانمندی سازمانی در نحوه استفاده مطلوب از ارزیابی پیامدهای مقررات گذاری تأثیر به سزایی دارد. ارزیابی پیامدهای مقررات گذاری چیزی بیش از این روش تحلیل بوده و مستلزم فرایند شفاف تصمیم گیری در ساختار حکومت است. نتیجه اینکه ارزیابی پیامدهای مقررات گذاری بیشتر وابسته به شرایط اجتماعی است که واقعیت های مربوط به منش سیاسی و حرفه ای یک کشور را می نمایاند. برای مثال، ضعف سازمانی ممکن است به عدم پایبندی دراز مدت به انجام ارزیابی پیامدهای مقررات گذاری در ساختار حکومت بیانجامد، به ویژه هنگامی که این مشکل از بیرون و از سوی موسسات اعطا کننده وام تحمیل می شود.

ارزیابی پیامدهای مقررات گذاری مستلزم حکومت قانون، حکومت باز و شفاف و جامعه مدنی فعال در فرایند مشورت همگانی است. به همین دلیل اجرای ارزیابی پیامدهای مقررات گذاری در کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه که عموماً مبتنی بر حکومت قانون و حکومت دموکراتیک هستند موفقیت آمیز بوده است.

1. OECD, 1995.  
2. Kirkpatrick, 200.  
3. Levy and Spiller, 1995.



افزون بر این، اعمال ارزیابی پیامدهای مقررات‌گذاری مستلزم آگاهی از میزان مهارت و کارشناسی، منابع و اطلاعات در دسترس در یک کشور است. برای اعمال این ارزیابی نباید منابع و اطلاعاتی را درخواست کرد که تهیه آن فراتر از توان نهادهای حکومتی باشد. برای نمونه نهادهای محلی و ملی حکومتی ممکن است توانایی گردآوری اطلاعات ضروری برای انجام موثر ارزیابی پیامدهای مقررات‌گذاری را نداشته باشند. گذشته از این اگر قرار است که ارزیابی پیامدهای مقررات‌گذاری، توسعه پایدار و کاهش تهیدستی را با بهبود رویه‌های تقنینی ارتقا دهد، نباید اعمال این ارزیابی منجر به تعلل‌های غیر موجه در فرایند مقررات‌گذاری دولت شود.<sup>۱</sup>

همچنین ارزیابی پیامدهای مقررات‌گذاری ممکن است با اعمال ارزش‌یابی‌های دستوری سختگیرانه در مورد اطلاعات گردآوری شده، نهایتاً در انحصار منافع گروه‌های خاص قرار گیرد. به عنوان مثال ارزیابی پیامدهای مقررات‌گذاری به صورت برنامه‌ریزی شده ارزیابی ریسک را نیز که در آن باید احتمالات در نتایج ممکن‌الحصول مانند ریسک ایمنی یا بهداشت در نظر گرفته شوند در برمی‌گیرد. ارزیابی احتمالات برای دستیابی به نتایج مورد نظر تصمیم‌گیران، در یک فضای سیاسی تصمیم‌گیری پیشرفته می‌تواند صورت پذیرد. در کشورهای در حال توسعه که قوانین و مقررات آنها در زمینه تبعیت صادفانه از قانون در دستگاه‌های حکومتی توسعه نیافته است، ارزیابی پیامدهای مقررات‌گذاری باید در برابر رفتارهای منفعت‌طلبانه مورد حمایت قرار گیرد. هنگامی که تعیین درست هزینه و منفعت مشکل‌ساز می‌شود، مشکلات و خطرات در هم آمیخته می‌شوند.

مشکلات ناشی از عدم تطابق مقررات با استعدادهای سازمانی موجود یک کشور در زمینه مقررات بانکداری و مالی در کشورهای در حال توسعه در طی دهه ۱۹۹۰ شاهد این مدعا است. نظام مقررات مالی در اغلب کشورهای در حال توسعه با درآمد کم به دلیل ضعف در دستیابی به اطلاعات دقیق مالی، نبود کارشناسان زبده مقررات-گذاری، ساختارهای ضعیف حسابرسی و حقوقی و مداخلات سیاسی گسترده در

1. Deighton-Smith, 1997, p. 213.

صلاحیت‌های تقنینی به شدت دچار نقصان شده است.<sup>۱</sup> اتخاذ مدل آزادسازی بازار مالی با توجه به محدودیت در قابلیت‌های مقررات‌گذاری، مستقیماً در بحران‌های مالی بسیاری از کشورهای در حال توسعه در پی اجرای سیاست‌های آزاد سازی بازار مالی موثر بود.

محدودیت‌های توانایی مقررات‌گذاری احتمالاً در بسیاری از نظام‌های اقتصادی با درآمد کم وجود دارد و اگر هر مکانیسم ارزیابی پیامدهای مقررات‌گذاری پیشنهاد شود باید به روشی اتخاذ شود که این محدودیت‌ها را مد نظر قرار دهد. با این حال به نظر ما ارزیابی پیامدهای مقررات‌گذاری هنوز قابلیت پیشبرد اداره امور عمومی از طریق مقررات‌گذاری و در نتیجه رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه را دارد. هر چند، برای اعمال ارزیابی پیامدهای مقررات‌گذاری باید رویکردی را اتخاذ کرد که متناسب با نیازها و مطابق با محدودیت‌های منابع و توانمندی‌های هر کشور در حال توسعه باشد. با آنکه رهنمودهای سازمان همکاری اقتصادی و توسعه<sup>۲</sup> معیار مناسبی برای پیشبرد ارزیابی پیامدهای مقررات‌گذاری در هر کشور است، اما لازم است که این رهنمودها برای مد نظر قرار دادن مسائل ویژه در نظام مقررات‌گذاری کشورهای در حال توسعه مانند مسائل مربوط به ارتقای قابلیت مقررات‌گذاری، کاهش تهیدستی و برآورده کردن اهداف توسعه بومی‌سازی شوند. در حال حاضر به نظر نمی‌رسد که چهارچوب روشنی از اصول اعمال ارزیابی پیامدهای مقررات‌گذاری در کشورهای در حال توسعه وجود داشته باشد. با این حال می‌توان چهارچوب زیر را برای تدوین این اصول پیشنهاد داد:

الف) ایجاد یک نظام مدیریت مقررات‌گذاری موثر در کشور

ب) بهبود کیفیت مقررات جدید در کشور

پ) ارتقای کیفیت مقررات جاری

ابند اول) ایجاد یک نظام مدیریت مقررات‌گذاری موثر در کشور

1. Brownbridge and Kirkpatrick, 2000, 2002.

2. OECD, 1995.

نخستین گام در تدوین یک چهارچوب برای ارزیابی پیامدهای مقررات گذاری در یک کشور در حال توسعه ایجاد یک نظام مدیریت مقررات گذاری موثر است. اگر قرار است که ارزیابی پیامدهای مقررات گذاری جدی گرفته شود، اصول اصلاح و کاربرد ارزیابی پیامدهای مقررات گذاری باید در بالاترین سطح حکومت تصویب شوند. در این زمینه پیش شرط موفقیت عبارت است از شناخت بهتر ارزیابی پیامدهای مقررات گذاری و درک نیاز به ارتقای اداره امور عمومی از طریق مقررات گذاری. در این زمینه از دو جهت ممکن است ایرداتی مطرح شود: نخست اینکه ممکن است مقامات اداری راجع به ارزیابی پیامدهای مقررات گذاری به عنوان یک شیوه اصلاح بدگمان باشند، بویژه هنگامی که این شیوه از بیرون ساختار حکومت و از سوی نهادهایی مانند سازمان‌های وام‌دهنده تحمیل می‌شود. در نتیجه بومی‌سازی ارزیابی پیامدهای مقررات گذاری در درون حکومت به عنوان نهادی که تأثیر به‌سزایی در روند سیاست‌گذاری دارد مهم است. برای این منظور تأسیس یک واحد ارزیابی پیامدهای مقررات گذاری در ساختار حکومت به‌ویژه در درون نهاد نخست وزیری یا ریاست جمهوری می‌تواند در پیشبرد این امر مفید واقع شود. لازم است که از بودجه و تأمین اداری این واحد در برابر انتقادهای وزراء، نمایندگان پارلمان و دیگر اشخاص مانند تجار ناخرسند از اعمال ارزیابی پیامدهای مقررات گذاری حمایت کافی به عمل آید. مأموریت این واحد باید تدوین استانداردهای دقیق نحوه مقررات گذاری و اصول تصمیم‌گیری در حکومت باشد. این واحد باید به تضمین تداوم، معتبر بودن و کیفیت ارزیابی پیامدهای مقررات گذاری در واحدهای سازمانی اقدام کند و در این صورت باید از صلاحیت‌ها و مهارت‌های لازم برای انجام صحیح این وظایف برخوردار باشد.

دوم اینکه اعمال ارزیابی پیامدهای مقررات گذاری به منظور کسب وجهه قانونی، مستلزم اجازه قانون یا آیین‌نامه است. از این رو، نهاد قانون‌گذار باید ابتدائاً در طی یک مقرره اجرای این ارزیابی را الزامی سازد. دوباره تأکید می‌شود که ارزیابی پیامدهای مقررات گذاری بهتر است در طی یک متن قانونی مندرج شده و ضمانت اجرایی یابد. واحد ارزیابی پیامدهای مقررات گذاری باید بی‌رنگ به توسعه مقررات ارزیابی پیامدهای مقررات گذاری و آموزش برنامه‌ها، الگو گرفتن از رهنمودهای سازمان

همکاری اقتصادی و توسعه و دیگر تجربیات بین‌المللی و در صورت لزوم بهره‌مندی از مشاوران خارجی اقدام کند. آموزش مولفه اصلی اجرای صحیح ارزیابی پیامدهای مقررات‌گذاری است و باید آن را نه تنها برای کارکنان مسئول اجرای این ارزیابی بلکه برای همه کارکنان مسئول اجرای مقررات ارائه کرد. ارائه برنامه‌های آموزشی کارآمد در زمینه مسائل نظری و عملی قوانین مهم است تا اینکه مقررات‌گذاران و کارکنان اداری مرتبط از مهارت‌های لازم برای انجام موثر ارزیابی پیامدهای مقررات‌گذاری بهره‌مند شوند.

افزون بر این، هر نهاد حکومتی به منظور اجرای ارزیابی پیامدهای مقررات‌گذاری باید متصدیان یا یک واحد تخصصی مخصوص به خود در سطح سازمانی داشته باشد. ضمن اینکه واحد ارزیابی پیامدهای مقررات‌گذاری از توسعه ارزیابی پیامدهای مقررات‌گذاری در حکومت پشتیبانی می‌کند، تخصیص مسئولیت اجرای ارزیابی پیامدهای مقررات‌گذاری به نهادهای تقنینی نیز لازم است. همچنین سازمان‌ها به توسعه فرایندها و نظام‌های گردآوری موثر و جامع اطلاعات نیاز دارند. کیفیت اطلاعات برای ارزیابی موفق پیامدهای مقررات‌گذاری ضروری است و باید انواع اطلاعات مورد نیاز و معیارهای کیفی برای آن مشخص شده و راهبردهای گردآوری اطلاعات با کمترین هزینه در چهارچوب زمانی معین ارائه شود. همچنین با اینکه روش‌های برآورد هزینه‌ها و منافع یک مقرره در حال حاضر تا حدودی در شماری از کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه پیشرفت کرده است، اما انتظار چنین پیشرفتی در مورد کشورهای در حال توسعه وجود ندارد. واحد ارزیابی پیامدهای مقررات‌گذاری در جهت اجرای صحیح ارزیابی‌ها باید اقدام به بررسی و انتشار اطلاعات راجع به انواع داده‌های لازم نماید. همچنین این واحد باید تضمین کند که همه سازمان‌ها از ضرورت مشورت با احزاب ذینفع پیش از اعمال تغییرات در مقررات آگاه هستند. رویه‌های منظم مشورت همگانی با اشخاص ذینفع باید برای تضمین حداکثر امکان توانمندسازی فرایند تصمیم‌گیری اعمال شود. گروه‌های ذینفع باید به صورت گسترده، منظم و بی-طرفانه طرف مشورت قرار گیرند. این امر مستلزم شناخت گروه‌های ذینفع است تا

اینکه فهرست راهنمایی از انواع منافع مرتبط اشخاص تهیه و در اختیار وزارتخانه‌ها قرار گیرد.

### بند دوم) ارتقای کیفیت مقررات جدید

دومین گام در تدوین چهارچوبی برای ارزیابی پیامدهای مقررات‌گذاری در یک کشور در حال توسعه، بهبود کیفیت مقررات جدید است. در این راستا باید رویه‌های لازم در هر سازمان برای اعمال ارزیابی پیامدهای مقررات‌گذاری در مراحل مقدماتی بررسی و تدوین قوانین و مقررات جدید و اصلاح مقررات قبلی ایجاد شود. ارزیابی پیامدهای مقررات‌گذاری باید به تدریج در همه لوایح مهم، خواه لوایح قانونی، یا آیین-نامه و دستورالعمل، اعمال شود. باید برای ارزیابی گزینه‌های پیش روی قوانین و مقررات و شناخت زمان مناسب برای اعمال و عدم اعمال ارزیابی پیامدهای مقررات-گذاری، روش‌های خاصی تدوین، توسعه و انتشار یابند. آنجا که به نظر می‌رسد پیامدهای مقررات مهم است و امید به پیامدهای مطلوب در اصلاح مقررات وجود دارد، باید منابع لازم برای این مقررات اختصاص یابد.

برای تضمین بهبود هماهنگی در مقررات‌گذاری در ساختار حکومت باید ترتیبات لازم اتخاذ شود. این ترتیبات باید امکان بررسی و ارزیابی دقیق مقررات را در دولت، توسط واحد ارزیابی پیامدهای مقررات‌گذاری یا یک نهاد حسابرسی (در انگلستان اداره حسابرسی ملی این نقش را ایفا می‌کند) فراهم کند. این بررسی دقیق، عملکردهای ضعیف را مشخص کرده و مزایای عملکردهای قوی را آشکار می‌کند. هدف این بررسی باید شناخت موفقیت‌های ارزیابی پیامدهای مقررات‌گذاری در عمل باشد تا بتوان آنها را به عنوان نمونه‌هایی از کارایی این روش ارزیابی در پاسخ به منتقدان اهمیت این روش در حکومت نشان داد. به محض اینکه ارزیابی پیامدهای مقررات-گذاری حداقل در برخی از سازمان‌های حکومت اعمال شود، آنگاه در دیگر سازمان-های محلی و منطقه‌ای حکومت نیز رواج خواهد یافت.

### بند سوم) ارتقای کیفیت مقررات جاری

سومین گام در این راستا باید ارتقای کیفیت مقررات جاری باشد که این امر با بررسی و ارتقای کیفیت نظام‌مند این مقررات، اتکای بر تجربیات به دست آمده از اعمال ارزیابی پیامدهای مقررات‌گذاری بر مقررات جدید و بهره‌گیری از نهادهای مرکزی و شعبه‌ای مجری ارزیابی پیامدهای مقررات‌گذاری محقق خواهد شد. بطور خلاصه اصول اجرای موفق ارزیابی پیامدهای مقررات‌گذاری را در یک کشور در حال توسعه به شرح زیر می‌توان برشمرد:

۱) پشتیبانی از ارزیابی پیامدهای مقررات‌گذاری در همه نهادهای حکومتی تا اینکه این روش ارزیابی تبدیل به مشخصه معمول سیاست‌گذاری شود. این امر مستلزم حمایت سیاسی قوی در نهادهای حکومتی و پیروزی بر ناکارایی‌های دیوانسالاری و سیاسی و بویژه مقابله با این سوءظن است که ارزیابی پیامدهای مقررات‌گذاری حيله‌ای دیگر از سوی کشورهای غربی است. احتمالاً تأسیس یک واحد ارزیابی پیامدهای مقررات‌گذاری، ترجیحاً در بالاترین سطح سیاسی، برای پشتیبانی از اجرای ارزیابی پیامدهای مقررات‌گذاری و فراهم ساختن نحوه اجرای مناسب آن ضروری باشد.

۲) توسعه دانش محلی لازم برای شناخت ماهیت ارزیابی پیامدهای مقررات‌گذاری و مهارت‌ها و منابع مورد نیاز برای اجرای موثر این ارزیابی‌ها، آگاهی از تجربیات و رهنمودهای بین‌المللی و توسعه آموزش و مهارت‌یابی. این امر مستلزم همکاری با مشاوران بین‌المللی ارزیابی پیامدهای مقررات‌گذاری است.

۳) توسعه سازوکارهای گردآوری اطلاعات به منظور اجرای موثر و به موقع ارزیابی پیامدهای مقررات‌گذاری با کمترین هزینه.

۴) افزایش آگاهی از ضرورت مشاوره و ارزیابی پیش از انجام اصلاحات در قوانین و مقررات لازم است، حتی اگر این عمل زمانبر و هزینه‌بر در نهادهای بیش از گسترده حکومتی باشد. بدین منظور باید در فرایند تصمیم‌گیری مراحل برای مشورت اختصاص داد تا احزاب ذینفع بتوانند فرصت کافی برای آماده کردن پاسخ‌های تفصیلی و کامل خود داشته باشند. در این زمینه ایجاد یک الگوی واحد در گزارش نتایج مفید خواهد بود که این الگو را واحد ارزیابی پیامدهای مقررات‌گذاری بهتر می‌تواند تهیه کند.



۵) ارزیابی پیامدهای مقررات گذاری در مورد یک قانون ممکن است طی چند مرحله شامل ارزیابی اولیه، ارزیابی پس از انجام مشورت و تهیه پیش نویس و سرانجام ارزیابی نهایی پس از تصویب قانونگذار صورت بگیرد. البته این مراحل نسبتاً طولانی کار سازمانها را سخت می کند. راهکار مناسب برای کاهش این هزینه ها عبارت است از اولویت دادن به اعمال کامل ارزیابی پیامدهای مقررات گذاری صرفاً در زمانی که یک مقررده خاص ممکن است آثار قابل توجهی بر نظام اقتصادی، اجتماعی و یا محیط زیست داشته باشد. با این حال باید توجه داشت که تصمیمی که در مورد زمان مناسب برای اعمال ارزیابی پیامدهای مقررات گذاری اتخاذ می شود بر مبنای ملاحظات سیاسی نباشد.

۶) بررسی اولیه ارزیابی پیامدهای مقررات گذاری و انتشار نتایج آن می تواند مانع از بروز اختلال در فرایند این ارزیابی ها باشد. دولت ها باید نحوه انجام بررسی های اولیه در مورد ارزیابی پیامدهای مقررات گذاری صورت گرفته برای کنترل کیفیت، تضمین اعتماد عمومی و افزایش سازگاری با قوانین را مد نظر قرار دهد. این گزارش ها باید برای بحث در فرایند قانونگذاری به منظور ارتقای سطح پاسخگویی در دسترس باشند. اینک به بررسی نمونه هایی محدود از کاربرد ارزیابی پیامدهای مقررات گذاری در کشورهای با درآمد کم و متوسط در پرتو اصول برشمرده شده می پردازیم.

#### مبحث دوم: نمونه هایی از کاربرد ارزیابی پیامدهای مقررات گذاری در کشورهای در حال توسعه

در حالیکه ارزیابی پیامدهای مقررات گذاری در حال حاضر در اغلب کشورهای عضو سازمان توسعه همکاری های اقتصادی، هرچند با درجاتی متفاوت، اعمال می شود، نمونه های مستند اندکی از کاربرد این ارزیابی در کشورهای در حال توسعه در دست وجود دارد. آنجا هم که چنین نمونه هایی در دست است، به نظر می رسد که مشکلات جدی در اجرای این ارزیابی وجود دارد. برای مثال ارزیابی پیامدهای مقررات گذاری در کشورهای کره جنوبی و مکزیک که دارای نظام اقتصادی متوسط هستند اعمال می - شود.<sup>۱</sup> در مکزیک تقریباً ۱۵۰۰ مورد مقررده در فاصله زمانی سال ۲۰۰۰ تا اوایل سال

1. (OECD, 1999, 2000).

۲۰۰۲ مورد ارزیابی قرار گرفت.<sup>۱</sup> در کره جنوبی کمیته بررسی مقررات نزدیک به ۳۰۰۰ مورد مقرر را در خلال سال‌ها ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۲ مورد بررسی قرار داد و ۳۸۷ پیش نویس مقررات را رد کرد و ۱۱۵۷ مورد را به نهادهای حمایت کننده طرح‌ها برای تجدید نظر برگرداند.<sup>۲</sup> با این حال در این دو کشور علی‌رغم آنچه که در ظاهر مطلوب به نظر می‌رسد، مشکلات اجرایی جدی در عمل بروز کرده است. مهارت ناکافی در دستگاه‌های حکومتی به عنوان عامل مهم ناکارایی اجرای ارزیابی محسوب می‌شود.

تجربه مکزیک و کره جنوبی نمونه‌هایی از چالش‌هایی را نشان می‌دهد که در اجرای ارزیابی پیامدهای مقررات‌گذاری به دلیل ناکارایی‌های سازمانی در حکومت رخ می‌دهند. برای مثال گزارش سازمان همکاری اقتصادی و توسعه در مورد مکزیک اعلام کرد: "بزرگترین مشکل برای بخش برآورد هزینه‌ها و منافع در واحد ارزیابی پیامدهای مقررات‌گذاری این است که کیفیت اطلاعات عموماً ضعیف است و به این دلیل تحلیل کمی از پیش‌نویس‌های قانونی در عمل ممکن نیست. نهادهای تقنینی ملزم به برآورده کردن میزان منافع خالص مقررات نمی‌شوند تا مبادا که اطلاعات ناکافی قبلی در دسترس نیز مخدوش شود". گزارش راجع به کره جنوبی نشان می‌دهد که "هنوز بسیاری از بخش‌های ارزیابی پیامدهای مقررات‌گذاری به کمال لازم نرسیده است".<sup>۳</sup>

برای بررسی میزان کاربرد ارزیابی پیامدهای مقررات‌گذاری در دیگر کشورهای با نظام اقتصادی متوسط و تجربیات آنان، در سال ۲۰۰۳ مرکز مقررات‌گذاری و رقابت در دانشگاه منچستر پرسشنامه‌ای در خصوص ارزیابی پیامدهای مقررات‌گذاری به ۳۱۱ سازمان حکومتی دارای صلاحیت‌های مقررات‌گذاری در ۹۹ کشور در حال توسعه و در حال گذار فرستاد. در اغلب موارد به منظور اطمینان از صحت پاسخ پرسش‌شونده، پرسشنامه به چند نفر پرسش‌شونده در هر کشور ارسال شد. پرسشنامه در ۴۰ کشور آمریکای جنوبی، آسیا و آفریقا تکمیل و به مرکز عودت داده شد. همچنین کشورهای کمونیستی سابق نیز مانند آلبانی، استونی، گرجستان، لیتوانی و مولداوی نیز پاسخ‌های خود را ارسال کردند. در کل ۶۸ پاسخنامه قابل استفاده عودت داده شد که ۱۷ درصد

1. (OECD, 1999).

2. (OECD, 2000; World Bank, 2004, p. 74).

3. (OECD, 2000, p. 153).

مجموع این پاسخها را مقامات حکومتی داده بودند. مقررات مورد بررسی قرار گرفته شامل مقررات اقتصادی، اجتماعی و محیط زیستی با تأکید بیشتر بر بررسی مقررات اقتصادی بود. اکثریت پاسخها راجع به مقررات ناظر بر خدمات عمومی بود. جدول شماره ۲-۹ فهرست کشورهایی که پاسخ کامل به پرسشنامهها دادند را نشان می دهد.

جدول شماره ۲-۹ فهرست کشورهایی که پاسخ کامل به پرسشنامهها دادند

آسیا (۹ کشور)	اردن، پاکستان، تایلند، سری لانکا، عمان، فیلیپین، کره جنوبی، مالزی و هند
آفریقا (۱۶ کشور)	آفریقای جنوبی، الجزایر، اوگاندا، بوتسوانا، تانزانیا، زامبیا، زیمبابوه، غنا، کامرون، کنیا، گابن، گینه بیسائو، مالاوی، مراکش، موریس، نیجریه
آمریکای جنوبی (۹ کشور)	اوروگوئه، باربادوس، برزیل، پرو، جامائیکا، مکزیک، نیکاراگوئه، ونزوئلا
کشورهای با اقتصاد در حال گذار (۶ کشور)	آلبانی، استونی، رومانی، گرجستان، لیتوانی، مولداوی

پرسشنامه از سه قسمت تشکیل شده بود: ارزیابی پیامدهای مقررات گذاری به عنوان یک روش ارزیابی، ارزیابی پیامدهای مقررات گذاری به عنوان یک فرایند و ارزیابی پیامدهای مقررات گذاری به عنوان بخشی از یک راهبرد کلی تر برای اصلاح مقررات-گذاری. محورهای پرسشهای اصلی عبارت بودند از:

- میزان آشنایی با مفهوم ارزیابی پیامدهای مقررات گذاری و رهنمودهای سازمان همکاری اقتصادی و توسعه؛
- میزان کاربرد ارزیابی پیامدهای مقررات گذاری در کشور؛
- لوازم قانونی برای اتخاذ ارزیابی پیامدهای مقررات گذاری و میزان انتشار رهنمودهای لازم در زمینه آشنایی با این روش در دستگاههای حکومتی؛
- اشکال مختلف ارزیابی پیامدهای مقررات گذاری به هنگام اجرا؛
- فرایندهای اجرای ارزیابی پیامدهای مقررات گذاری در حکومت؛

- شفافیت در ارزیابی پیامدهای مقررات گذاری از لحاظ انتشار اسناد؛
- مشورت و مشارکت همگانی در اعمال ارزیابی پیامدهای مقررات گذاری؛
- ارزیابی پیامدهای مقررات گذاری به عنوان بخش گسترده‌ای از اصلاحات در حکومت.

پاسخنامه‌ها اثبات کرد که در برخی از کشورهای در حال توسعه شناخت نسبی از ارزیابی پیامدهای مقررات گذاری و اصول آن وجود دارد، هر چند که این شناخت عمیق و گسترده به نظر نمی‌رسید و تفاوت عمده‌ای در این خصوص میان سازمان‌های مختلف حکومتی وجود داشت.<sup>۱</sup> در مورد کشورهای مورد مطالعه آسیایی نتایج پرسشنامه نشان داد که ارزیابی پیامدهای مقررات گذاری در ۸ کشور از ۹ کشوری که پاسخنامه را عودت دادند اعمال می‌شود. در مورد کشورهای آفریقایی به نظر می‌رسد که ارزیابی پیامدهای مقررات گذاری تا حدی در ۱۱ کشور از ۱۶ کشور اعمال شده است؛ با این حال تنها در یکی از این کشورها ادعا شد که ارزیابی پیامدهای مقررات گذاری به صورت نظام‌مندی برای تمام مقررات جدید اعمال می‌شود. در برابر در مورد کشورهای آمریکای جنوبی و حوزه کارائیب نتایج نشان داد که ۶ کشور از ۹ کشوری که پاسخنامه را عودت دادند ارزیابی پیامدهای مقررات گذاری برای ارزیابی برخی یا همه لوایح قانونی اعمال می‌شود. بی‌گمان این میزان از ارزیابی پیامدهای مقررات گذاری برای کشورهای این منطقه با توجه به نظام دیرینه و توسعه یافته مقررات گذاری آنها بویژه در زمینه منافع عمومی، بسیار ناچیز به نظر می‌رسد.<sup>۲</sup> سرانجام در ۵ کشور از ۶ کشور در حال گذار که در این تحقیق شرکت کرده بودند، پاسخ‌دهندگان ادعا کردند که ارزیابی پیامدهای مقررات گذاری را تا حدودی برای ارزیابی آثار بالقوه لوایح قانونی جدید بکار گرفته‌اند.

با آنکه به نظر می‌رسد برخی از اشکال ارزیابی مقررات گذاری تا اندازه‌ای، هرچند اندک، در اکثریت کشورهای مورد مطالعه بکار گرفته می‌شده است، تفاوت‌های منطقه‌ای در میزان شناخت از اصول ارزیابی پیامدهای مقررات گذاری در میان این کشورها وجود

۱. برای اطلاع از خلاصه نتایج این تحقیق ر.ک. Kirkpatrick et al., 2004.

۲. Pargal, 2003.

<http://www.lri.ir>

داشت. سه پنجم پاسخ‌هایی که از کشورهای آفریقایی رسید نشان می‌داد که این کشورها یا هیچ شناختی از این روش ارزیابی ندارند و یا شناخت آنها در این زمینه کاملاً محدود است، در حالیکه اکثریت پاسخ‌دهندگان در کشورهای آسیایی اظهار داشتند که از ارزیابی پیامدهای مقررات‌گذاری شناخت کافی دارند. هر چند که تنها ۶ کشور پاسخ‌دهنده با رهنمودهای سازمان همکاری اقتصادی و توسعه در زمینه ارزیابی پیامدهای مقررات‌گذاری آشنایی داشتند. ۴ کشور پاسخ‌دهنده اظهار کردند که راهبردهایی برای اجرای ارزیابی پیامدهای مقررات‌گذاری در ساختار حکومت خود تدوین کرده‌اند که ۲ کشور از آنها عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه بودند. هیچیک از کشورهای پاسخ‌دهنده آفریقایی راهبردهایی برای اجرای ارزیابی پیامدهای مقررات‌گذاری تدوین نکرده بودند.

ارزیابی پیامدهای مقررات‌گذاری روشی برای ارزیابی تأثیرات بالفعل مقررات جاری و همچنین تأثیرات بالقوه لوایح قانونی جدید است. بنابراین اقدام به استخراج اطلاعات راجع به میزان اعمال روش‌های ارزیابی پیش از مقررات‌گذاری از پرسشنامه‌ها شد. پاسخ‌ها سرگردآوری شده از ۱۹ کشور نشان می‌داد که در آنها ارزیابی پیامدهای مقررات‌گذاری برای ارزیابی مقررات جاری بکار برده می‌شود. به نظر می‌رسد که ارزیابی پیامدهای مقررات‌گذاری در کشورهای در حال توسعه بیشتر به صورت ارزیابی بعد از مقررات‌گذاری انجام گرفته است تا ارزیابی پیش از مقررات‌گذاری. دلیل این امر ممکن است ناشی از کمبود منابع در دستگاه‌های حکومتی برای اجرای این ارزیابی باشد و یا تعلق این دستگاه‌ها در اجرای ارزیابی به این دلیل که منتظر تحقق نتایج مقررات قبلی باقی می‌مانند. در کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه نیز همین عدم تمایل به انتشار ارزیابی‌های انجام گرفته وجود داشته است.

همچنین در این پرسشنامه تلاش شد که اطلاعاتی در خصوص میزان اعمال ارزیابی پیامدهای مقررات‌گذاری بر لوایح اقتصادی، اجتماعی و محیط زیستی گردآوری شود. نتایج حاصله، کاربرد ارزیابی پیامدهای مقررات‌گذاری را در سه این حوزه اصلی مقررات‌گذاری نشان می‌داد اما با تمرکز شدید بر بررسی مسائل اقتصادی (جدول ۹.۱ را بنگرید). ۲۸ کشور از ۳۰ کشور پاسخ‌دهنده اعمال ارزیابی پیامدهای مقررات‌گذاری

را در این حوزه‌های فعالیت حکومت تصدیق کردند. در پرسشنامه تلاش شد تا با مطرح کردن این پرسش که چه میزان از مقررات ناظر بر بخش‌های مختلف مشمول ارزیابی پیامدهای مقررات‌گذاری در طی پنج سال گذشته بوده‌اند، اطلاعات جزئی‌تری در زمینه اعمال ارزیابی پیامدهای مقررات‌گذاری بر مقررات اقتصادی، اجتماعی و محیط زیستی گردآوری شود. در کل نتایج حاصله نشان می‌داد که ارزیابی پیامدهای مقررات‌گذاری در هیچ کشوری به صورت کامل و بی‌نقص و در همه حوزه‌های مقررات اقتصادی، اجتماعی و محیط زیستی اجرا نمی‌شد.

تمرکز ارزیابی پیامدهای مقررات‌گذاری بر مقررات اقتصادی، اجتماعی و محیط زیستی احتمالاً به دلیل تمرکز سنتی اعمال مقررات‌گذاری حکومت در حوزه‌های ناکارایی بازار، بویژه در حوزه خدمات عمومی است که در آنجا احتمال گسترش انحصار طبیعی بازار وجود دارد.

جدول ۹.۱- اعمال ارزیابی پیامدهای مقررات-گذاری بر مقررات اقتصادی، اجتماعی و محیط زیستی در کشورهای با نظام اقتصادی ضعیف<sup>۱</sup>

مقررات محیط زیستی	مقررات اجتماعی	مقررات اقتصادی	منطقه
۵	۸	۸	آسیا (تعداد کشورها)
۷	۵	۱۰	آفریقا (تعداد کشورها)
۵	۳	۵	آمریکای جنوبی (تعداد کشورها)
۴	۵	۵	کشورهای در حال گذار (تعداد کشورها)

افزون بر این نتایج حاصله نشان می‌داد که اکثریت پاسخنامه‌ها توسط اشخاص مقررات‌گذار در بخش منافع عمومی تکمیل شده بودند. پاسخها همچنان نشان می‌دادند

1. Kirkpatrick et al. (2004).



که در اکثریت کشورهای در حال توسعه و در حال گذار که ارزیابی پیامدهای مقررات-گذاری را اتخاذ کرده‌اند، هم هزینه‌ها و هم منافع بالقوه لوایح قانونی مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند. از ۳۰ کشوری که ارزیابی پیامدهای مقررات‌گذاری را به کار می‌بستند، ۱۸ کشور پاسخ‌دهنده اعلام کردند که هزینه‌ها و منافع را یکجا مورد بررسی قرار داده‌اند. ۲ کشور دیگر اظهار کردند که تنها منافع را مورد ارزیابی قرار داده‌اند و ۱۰ کشور پاسخ-دهنده در مورد اینکه چه موضوعات مورد ارزیابی قرار گرفته است اطمینان لازم را نداشتند. در مورد ۵ کشور پاسخ‌دهندگان ابراز بی‌اطلاعی کردند و در ۵ کشور دیگر پاسخ‌های متناقضی دریافت شد که نشان می‌داد رویه‌ها در مورد اعمال مقررات‌گذاری مختلف در همان کشور متفاوت با هم است. هیچیک از ۵ کشور آخر راهبردهای یکسانی را برای اعمال ارزیابی پیامدهای مقررات‌گذاری اتخاذ نکرده بودند.

پاسخ‌ها نشان می‌داد که رویه‌های مختلفی برای محاسبه هزینه‌ها و منافع وجود داشت. از میان کشورهایی که هزینه‌ها و منافع را توأمان مورد ارزیابی قرار می‌دادند، تنها شماری معدود تأثیرات مادی و معنوی را مورد ارزیابی قرار داده بودند؛ در ۴ کشور نیز هر دو مورد این موضوعات مورد ارزیابی قرار گرفته بودند. این یافته با توجه به دشواری‌های ارزیابی اقتصادی و اجتماعی هزینه‌ها و منافع در کار ارزیابی تأثیرات تعجب‌آور نمی‌نماید. پاسخ‌دهندگان در کشورهایی که ارزیابی پیامدهای مقررات‌گذاری را اجرا می‌کردند به مشکلات ارزیابی در پاسخنامه‌های خود اشاره کرده بودند. تنها در ۸ کشور موافق این امر بودند که اعمال ارزیابی پیامدهای مقررات‌گذاری در کشور آنها منجر به ارتقای سطح تحلیل‌های تفصیلی از هزینه‌ها و منافع شده است.

همچنین در پرسشنامه فرایندهای ارزیابی پیامدهای مقررات‌گذاری به عنوان اصلی از اصول "به‌زامداری" نیز مورد توجه واقع شد. پاسخ‌ها نشان می‌داد که در اکثریت کشورهایی که به ارزیابی پیامدهای مقررات جدید نیز می‌پرداختند مشورت همگانی با تأکید بر استفاده از نکته‌نظرات عمومی و نظرسنجی در مورد لوایح صورت گرفته است. اشخاص شرکت‌کننده در مشورت همگانی شامل کارشناسان غیر دولتی، نهادهای حکومتی و بخش خصوصی می‌شد؛ اما گروه‌های حمایت از مصرف‌کننده و دیگر اشخاص مانند جامعه مدنی کمتر مشارکت داشتند. در اغلب موارد (۳۴ کشور) مشورت

پیش یا پس از تهیه کردن مقررات تفصیلی توسط حکومت صورت می‌پذیرفت. با این حال شمار اندکی از کشورها (۱۵ کشور) دیدگاه‌های مشارکت‌کنندگان را در فرایند مشورت عمومی مد نظر قرار دادند که این امر میزان ارتقای شفافیت در مقررات‌گذاری را نشان می‌داد.

بخش نهایی پرسشنامه برای بررسی نقش ارزیابی پیامدهای مقررات‌گذاری به عنوان بخشی از راهبرد گسترده حکومت در اصلاح نظام مقررات‌گذاری طراحی شده بود. تأثیر ارزیابی پیامدهای مقررات‌گذاری هنگامی ارتقاء خواهد یافت که این شیوه ارزیابی به عنوان بخشی از اصلاح نظام اداره امور از طریق مقررات و توانمندسازی سازمانی اعمال شود.<sup>۱</sup> از ۴۰ کشور پاسخ‌دهنده ۲۲ کشور اظهار کردند که راهبردهای عملی برای پیشبرد اصلاح نظام مقررات‌گذاری در حکومت را تدوین کرده‌اند. کشورهایی که دارای این راهبرد عام عملی بودند با کشورهایی که اقدام به اعمال ارزیابی پیامدهای مقررات‌گذاری می‌کردند مورد مقایسه قرار گرفتند. این مقایسه نشان داد که در ۱۰ کشور ارزیابی پیامدهای مقررات‌گذاری به عنوان بخشی از برنامه گسترده اصلاح اداره امور از طریق مقررات اعمال می‌شد. بررسی نتایج ارزیابی پیامدهای مقررات‌گذاری در جایی که یک برنامه جامع اصلاح نظام مقررات‌گذاری در حال اجرا است در برابر کشورهایی که هنوز این برنامه را اجرا نمی‌کنند، پژوهشی جالب خواهد بود.

در کل، یافته‌های این مطالعه نشان داد که سطح آگاهی از ارزیابی پیامدهای مقررات‌گذاری و کاربرد آن در کشورهای در حال توسعه، بر مبنای اطلاعات محدود اولیه در دسترس ما احتمالاً بیشتر از مورد انتظار بوده است. با این حال این نتیجه باید با مد نظر قرار دادن احتمال بروز انحراف در نمونه‌گیری پرسشنامه‌ها مورد بررسی قرار گیرد. پاسخنامه‌ها بیشتر از سوی کشورهایی عودت داده شد که رویه‌های مقررات‌گذاری در آنجا به خوبی جا افتاده بود. تمرکز شدید پاسخنامه‌ها بر بخش خدمات عمومی می‌تواند بطور غیر مستقیم تأیید این انحراف باشد. در شمار نسبتاً زیادی از کشورهایی (۵۹ کشور) که به پرسشنامه پاسخ نداده بودند احتمال دارد که هیچ شکلی از ارزیابی پیامدهای مقررات‌گذاری اعمال نمی‌شده است. همچنین، هر چند که در

1. Stern and Holder, 1999; Kirkpatrick et al., 2004.

ابتدای پرسشنامه تعریفی گویا از ارزیابی پیامدهای مقررات‌گذاری ارائه شد بود، این احتمال وجود دارد که به هنگام تکمیل پاسخنامه، پاسخ‌دهنده مفهومی غیر از این تعریف در ذهن داشته است.

سرانجام اینکه به نظر می‌رسد بیش از نیمی از کشورهای که پرسشنامه را عودت دادند به تدوین برنامه‌ای برای اصلاح اداره امور از طریق مقررات پرداخته و در برخی موارد ارزیابی پیامدهای مقررات‌گذاری تبدیل به بخشی از فرایند مقررات‌گذاری شده است. در بقیه کشورها به نظر می‌رسد که ارزیابی پیامدهای مقررات‌گذاری به صورت یک روش مستقل اتخاذ شده و تأثیر آن به ایجاد بهبود در اداره امور از طریق مقررات محدود گشته است. اگر قرار است که ارزیابی پیامدهای مقررات‌گذاری سهمی در توسعه اقتصادی و کاهش تهیدستی داشته باشد، لازم است که به مناسب‌ترین وجه ممکن بکار برده شود از جمله با تشریح اهداف مقررات‌گذاری، بهره‌گیری از مشورت‌های گسترده و بدون دخالت دادن منافع شخصی و گروهی در اجرای این ارزیابی و دیگر اصولی که در پیش از این در این بخش به آنها اشاره شد. آن دسته از روش‌های ارزیابی پیامدهای مقررات‌گذاری موجود که صرفاً برای جلب توجه نهادهای خارجی مانند موسسات بین‌المللی اعطای وام و تأیید کلیه تصمیمات قوه مجریه ایجاد شده‌اند، در اینجا ارزش توجه و بررسی را ندارند. مطالعه پاسخنامه‌ها نتایج دوگانه‌ای را در این خصوص ارائه داد. پاسخنامه‌ها از یکسو نشان دادند که در اجرای ارزیابی پیامدهای مقررات‌گذاری در اغلب موارد مشورت به عنوان بخشی از فرایند ارزیابی صورت گرفته است. در عین حال نیز فرایند مشورت محدود به بخش دولتی و تجاری می‌شود تا گروه‌های حمایت از مصرف‌کننده و دیگر گروه‌های جامعه مدنی در این فرایند مشورت مشارکت داشته باشند.

**نتیجه**  
این بخش به بررسی کاربرد بالقوه و بالفعل ارزیابی پیامدهای مقررات‌گذاری در کشورهای در حال توسعه پرداخت که درصدد کاهش تهیدستی و تدوین اهداف توسعه اقتصادی هستند. این نکته مورد بررسی قرار گرفت که ارزیابی پیامدهای مقررات‌گذاری

از قابلیت قابل توجهی برای بهبود سطح اداره امور از طریق مقررات و ارتقای سرمایه-گذاری خصوصی و رشد اقتصادی در این کشورها برخوردار است. تجربه بین‌المللی نشان می‌دهد که ارزیابی پیامدهای مقررات‌گذاری می‌تواند چهارچوب منسجمی را برای پیشبرد تدوین مقررات و اجرای آن در حکومت ایجاد کند. با این حال، نباید از دشواری‌های کاربرد ارزیابی پیامدهای مقررات‌گذاری به دلیل ضعف سازمانی شایع در بسیاری از کشورهای در حال توسعه غافل ماند. در این مورد با آنکه رهنمودهایی عملی سازمان همکاری اقتصادی و توسعه، راهکارهایی را برای چگونگی تدوین چهارچوب ارزیابی پیامدهای مقررات‌گذاری ارائه می‌دهند، اما به نظر نمی‌رسد که این راهکارها الگوی کاملی برای اعمال در کشورهایی باشند که هر یک دارای نظام اداری و اهداف متفاوتی هستند. راهبردهای سازمان همکاری اقتصادی و توسعه باید با توجه به شرایط خاص مقررات‌گذاری در کشورهای مختلف مانند قابلیت‌های مقررات‌گذاری، اهداف اجتماعی و محیط زیستی و برنامه‌های توسعه آنها سازگار شود.

همچنین در این بخش یافته‌های پژوهشی به صورت پرسشنامه در مورد اجرای عملی ارزیابی پیامدهای مقررات‌گذاری در تعداد زیادی از کشورهای در حال توسعه با درآمد کم یا متوسط ارائه شد. نتایج حاصله نشان می‌داد که در این زمینه برخی دشواری‌های عملی وجود دارد. به منظور تضمین اجرای موفق ارزیابی پیامدهای مقررات‌گذاری در این کشورها راهکارهای زیر پیشنهاد می‌شود:

**نخست** اینکه ارزیابی پیامدهای مقررات‌گذاری مستلزم ارتقای مهارت‌های تحلیل منافع و هزینه‌ها در دستگاه‌های حکومتی و مهارت‌های محاسبه و ارزیابی است. عموماً پیامدهای کیفی تحت ارزیابی شخصی و داوری قرار می‌گیرند و این امر به دلیل تعدد واحدهای سازمانی که هر یک سبک ارزیابی خاص خود را دارند مشکل‌آفرین است. بنابراین ممکن است این وسوسه ایجاد شود که ارزیابی پیامدهای مقررات‌گذاری را به صرف ارزیابی منافع و هزینه‌های مالی تقلیل داد. یا اینکه ارزیابی را صرفاً به جستجوی ساده‌ترین روش تحقق نتایج مقررات (یک روش مطالعه صرف تأثیربخشی هزینه) تقلیل داد که در آن نحوه کسب سود و خرج هزینه محاسبه می‌شود. این روش حداقلی

از ارزیابی پیامدهای مقررات‌گذاری به این دلیل زیانبار است که منافع متفاوتی که هر یک از اشکال مختلف مقررات دارد را نادیده می‌گیرد.

**دوم** اینکه ارزیابی پیامدهای مقررات‌گذاری مستلزم گسترش رویه‌های مشورت است تا اطلاعات کافی کسب شده و در شناخت تأثیر مقررات مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. با این حال در گذشته مشارکت در مشورت پیش از وضع مقررات محدود بوده و یا اینکه همه اشخاص ذینفع امکان حضور در فرایند مشورت همگانی را نداشته‌اند. تجربه بین‌المللی در خصوص دامنه و عمق مشورت با گروه‌های ذینفع نشان از گستردگی و پویایی این فرایند در برخی مناطق و محدود و ضعیف بودن آن در کشورهای دیگر دارد.

**سوم** اینکه لزوم کسب مشورت و ارزیابی اولیه ممکن است برای ساختار عریض و طویل حکومت زمان‌بر و هزینه‌بردار باشد. ارزیابی پیامدهای مقررات‌گذاری ممکن است مراحل متعددی شامل ارزیابی پیش از وضع مقرر، پس از انجام مشورت‌های اولیه و تصویب نهایی مقرر داشته باشد. روش مناسب برای کاهش این هزینه‌ها دادن اولویت به انجام ارزیابی تفصیلی و کامل در مورد مقرراتی است که پیامدهای گسترده اقتصادی، اجتماعی و محیط زیستی دارند. با این حال مهم این است که اتخاذ تصمیم در مورد اولویت دادن به ارزیابی‌های مهم با انگیزه‌های سیاسی، یا مصلحت و یا اقتضات اداری صورت نگیرد. کاربرد پراکنده ارزیابی پیامدهای مقررات‌گذاری در کشورهایی که ادعای اجرای آن را دارند نشان می‌دهد که تصمیم در مورد هنگام اجرا این ارزیابی ممکن است با تأسی از مصلحت‌های سیاسی اتخاذ شود.

**چهارم** اینکه ارزیابی پیامدهای مقررات‌گذاری باید در دستگاه‌های حکومتی مورد حمایت و پشتیبانی واقع شود و از اجزاء معمول نظام سیاست‌گذاری باشد. بنابراین به منظور رفع موانع اداری و سیاسی لازم است که حکومت آشکارا و مصرانه حمایت کافی را از این شیوه ارزیابی به عمل آورد به عنوان مثال اقدام به تأسیس یک واحد اداری برای ارزیابی پیامدهای مقررات‌گذاری در بالاترین سطح اداری کند. وظایف این واحد باید عبارت باشد از هماهنگ‌سازی اصلاحات قانونی تا اینکه مبنای منطقی برای ارزیابی تأثیرات فراهم شود؛ الزام سازمان‌ها به ملحوظ قرار دادن منافع اشخاص مختلف

در مشورت‌های خود و انجام ارزیابی‌های اولیه پیش از سیاست‌گذاری و عدم تأیید یک مصوبه مادام که به مرحله تصویب نهایی نرسیده است؛ ایجاد یک مرکز پشتیبانی برای تکنیک‌های ارزیابی پیامدهای مقررات‌گذاری و انتشار راهبردها؛ مشاوره و گزارش کیفیت ارزیابی‌های انجام شده در مورد پیامدهای مقررات‌گذاری توسط سازمان‌ها؛ و بازنگری در فرایند ارزیابی پیامدهای مقررات‌گذاری برای اصلاح و تقویت آن. متأسفانه چنین واحدهایی در شماری از کشورهایی که ادعای اجرای ارزیابی پیامدهای مقررات‌گذاری را دارند تأسیس نشده است.

**پنجم** اینکه در ارزیابی پیامدهای مقررات‌گذاری باید احتمال انحصار مقررات‌گذاری در اختیار اشخاص خاص را در نظر گرفت. در عمل، ماهیت و محتوای مقررات‌گذاری ممکن است در اختیار گروه‌های ذینفع خاص قرار گیرد که وقت، منابع و مشوق‌های لازم برای مداخله در فرایند مقررات‌گذاری را دارند. در نظام‌های اقتصادی بازار، جریان منابع به سمتی است که در آنجا احتمال برگشت سود بیشتر است و این امر در مورد تدوین سیاست‌های مقررات‌گذاری نیز صادق است. گروه‌های خارج از چهارچوب حکومت و نمایندگان آنها به دستگاه‌های حکومتی فشار مداوم می‌آورند که قوانین را در راستای منافع اقتصادی آنها تدوین کنند. به همین دلیل سیاست‌های مقررات‌گذاری ممکن است دیگر هدفمند نباشد و ارزیابی پیامدهای مقررات‌گذاری که اصولاً باید بر کشف حقایق و تحلیل بی‌طرفانه دلایل مبتنی باشد از فرایند منطقی خود خارج شود. با این حال، ارزیابی پیامدهای مقررات‌گذاری می‌تواند فعالیت‌های منفعت‌طلبانه را در حکومت با ارتقای مشورت گسترده و ارائه تعاریف و ارزیابی‌های دقیق از هزینه‌ها و منافع کنترل کند.

سرانجام اینکه ارزیابی پیامدهای مقررات‌گذاری مستلزم اصلاحات فرهنگی در دستگاه‌های حکومتی و سیاست‌گذاری شفاف‌تر به عنوان بخشی از فرایند گسترده‌تر اصلاحات در حکومت است. این نوع اصلاحات بویژه هنگامی می‌تواند دشوار باشد که حکومت بطور سنتی پنهان‌کار و انحصارگرا باشد و اجازه ورود همه گروه‌ها را به ساختار حاکمیتی خود ندهد.



خلاصه اینکه، ارزیابی پیامدهای مقررات گذاری از قابلیت بهبود اداره امور عمومی از طریق مقررات گذاری در کشورهای با نظام اقتصادی ضعیف و متوسط برخوردار است ولی نباید دشواری اجرای فرایندهای ارزیابی پیامدهای مقررات گذاری موثر را نادیده گرفت.



شورای عالی پژوهش و مطالعات فرهنگی  
اداره کل پژوهش‌های علمی و فناوری  
مركز ملي پژوهش‌ها و مطالعات فرهنگي

منابع

- Brownbridge, M. and C. Kirkpatrick (2000), 'Financial Regulation in Developing Countries', *Journal of Development Studies*, 37 (1), 1–24.
- Brownbridge, M. and C. Kirkpatrick (2002), 'Policy Symposium on Financial Regulation and Supervision', *Development Policy Review*, 20 (3), 243–316.
- Deighton-Smith, R. (1997), 'Regulatory Impact Assessment: Best Practice in OECD Countries', in *OECD Report on Regulatory Reform: Synthesis*, Paris: OECD.
- DFID (Department for International Development) (2000), *Making Markets Work Better for the Poor: A Framework Paper*, London: DFID.
- European Commission (EC) (2005), *Impact Assessment Guidelines*, SEC (2005) 791, Brussels: EC.
- Jacobs, S. (2003), 'Assisting Economic Transition: An RIA Strategy for Developing Countries', Paper to Conference on Regulatory Impact Assessment: Strengthening Regulation Policy and Practice, Centre on Regulation and Competition, University of Manchester.
- Jalilian, H., C. Kirkpatrick and D. Parker (2006), 'The Impact of Regulation on Economic Growth in Developing Countries – A Cross-country Analysis', *World Development*, November.
- Kirkpatrick, C. (2001), 'Regulatory Impact Assessment in Developing Countries: Research Issues', Working Paper No. 5, Centre on Regulation and Competition, IDPM, University of Manchester.
- Kirkpatrick, C. (2006), 'Regulatory Impact Assessment', in M. Crew and D. Parker (eds), *International Handbook on Economic Regulation*, Cheltenham, UK and Northampton, MA, USA: Edward Elgar.
- Kirkpatrick, C. and D. Parker (2004), 'Regulatory Impact Assessment and Regulatory Governance in Developing Countries', *Public Administration and Development*, 24, 333–44.
- Kirkpatrick, C., D. Parker and Y. Zhang (2004), 'Regulatory Impact Assessment in Developing and Transition Economies: A Survey of Current Practice', *Public Money and Management*, 24 (5), 291–6.
- Levy, B. and P. Spiller (1995), 'A Framework for Resolving the Regulatory Problem', in B. Levy and P. Spiller (eds), *Regulations*, <http://www.lri.ir>

- Institutions and Commitment: Comparative Studies in Regulation, Cambridge: Cambridge University Press.
- North, D.C. (1990), Institutions, Institutional Change and Economic Performance, Cambridge: Cambridge University Press.
  - OECD (1995), Recommendation on Improving the Quality of Government Regulation, Paris: OECD.
  - OECD (1997), The OECD Report on Regulatory Reform: Synthesis, Paris: OECD.
  - OECD (1999), Regulatory Reform in Mexico, Paris: OECD.
  - OECD (2000), Regulatory Reform in Korea, Paris: OECD.
  - Pargal, S. (2003), Regulation and Private Sector Investment in Infrastructure: Evidence from Latin America, Policy Research Working Paper No. 3037, Washington DC: World Bank.
  - Parker, D. (2002), 'Economic Regulation: A Review of Issues', Annals of Public and Cooperative Economics, 73 (4), 493-519.
  - SIGMA (2001), Improving Policy Instruments through Impact Assessment, SIGMA, Paper No. 31, Paris: OECD.
  - Stern, J. and S. Holder (1999), 'Regulatory Governance: Criteria for Assessing the Performance of Regulatory Systems. An Application to Infrastructure Industries in the Developing Countries of Asia', Utilities Policy, 8, 33-50.
  - World Bank (1995), Bureaucrats in Business: The Economics and Politics of Government Ownership, Oxford: Oxford University Press for the World Bank.
  - World Bank (2002), Global Economic Prospects and the Developing Countries, Washington DC: World Bank.
  - World Bank (2004), Doing Business in 2004: Understanding Regulation, Washington DC: World Bank.





شپوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
اداره کل پترالوجی علوم اوفانی طلائع رسا

<http://www.lri.ir>